

شابک : ۰-۴۵۵۶-۰۴-۶۰۰-۹۷۸

شماره کتابشای ملی : ۴۱۷۸۶۶۱

عنوان و نام پدید آور : یاس های وحشی / نویسنده محمد ابراهیم قاصدی

مشخصات نشر : خمین: محمد ابراهیم قاصدی ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری : ۱۱۵ صفحه

دعوع : شعر فارسی - قرن ۱۴

رده بندی دیویدی : ۸۶۲/۱۸۶

رده بندی لکیره : ۱۳۶۶ ی ۲۵ ۵۸۷ الف / PIR8171

سرشناسه : قاصدی، محمد ابراهیم - ۱۳۴۲

وضعیت فهرست نویسی : فیا

صفحه آرایی و تیپ : زهره مهاجری

طرح جلد : مسافر خیلو

چاپ اول : تابستان ۹۵

تیراژ : ۱۱۰۰ جلد

قیمت : ۹۵۰۰ تومان

مرکز پخش : خمین - انکاس شر - تلفن: ۰۳۸۰۳۲۲۳۸۰۴ - ۰۸۶ - ۰۴۶۲۲۲۹۷۵۷ - فکس: ۰۸۶

کلیه حقوق چاپ، ترجمه و غیره برای پدید آور و ناشر (محمد ابراهیم قاصدی) محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۴	آدمی بی رنج حاصل نشود
۸۹	آنجا که زمان در چنبر آوارگی میماند
۵۰	آنجا که خارتی شد هم خانه با تپاهی
۱۰۸ الی ۱۱۱	آن هست در رگ خورشید
۱۰۴ و ۱۰۵	ارغوان من ز چشم تر، شرانم، نگران
۷۳ الی ۷۵	از چه سبب میخ با من بی
۶۰	از دایره بیرون مشو کانه، آبروی نیست
۱۰۲ و ۱۰۳	از لای لای گندم زار
۹۴ و ۹۵	از مشرق آن کوه بلند
۳۱	اگر من را مجالی نیست رویم
۲۴	ای دلا سوز که ما جامه سیه کرده ایم
۵۶	ای دل بسوزت که شر فرصت بلا کند
۶۹ و ۷۰	ای رحمت جان و حجت ما
۶۱ و ۶۳	ای فکر بلند آسمانی
۹۸ و ۹۹	ای کاش من هم راه بودم
۶۴	ای کرده به شیشه خون هستی

ای که دل‌باز چنان شعبده باز آمده ای ۲۳

ب

باز مثل همیشه تو مرا سوزاندی ۹۰

ب اقامی شدم پی جور ماهی ۷۸ الی ۷۶

بر ششم بیافزود هر غفلتی که دیدم ۴۸

بز مطرب ده باغ خواب مانده ۲۸ و ۲۹

بسوز و بسوزیت بازار جهان مفروش ۳۷

بفریاد رسانیم دلریک پرست ۵۴

به نام خداوند نیکو سرست ۹

بی تو من ای دل چه آغاز کنم ۱۰

بی تو من هزار دردم ۶۸ الی ۶۶

بی کفن گل در بر من بی سراسر ۱۱

ت

تامی به پیاله هست در بند ۶۱

تو نگارنده جانی به نسیم و به ترانه ۱۰

ج

جسمم را به خاک بسپارید ولی ۹۳



چ

چو در آفرینش خرد جای کرد ۸۵

خ

خری انداخت و ریزی به گاوی ۵۸

خلق که راو مزرع ابداع هلاک ۵۹

خواب دیدم یک عربی پناه ۷۱ و ۷۲

د

دار و ندار من شد یک تخت توگا ۴۶

در این تاریک نقش پایندم ۳۰

در تیره شب جانفرسا ۹۱

در جنگل موهوم دنبال چه میگردی ۱۰۶ و ۱۰۷

در حسرت جهانی بی رنج و بی تجاهل ۴۵

در حلقه نگاهت ای دل چه رمز خفتست ۵۱

دردی نهفته دارم در سینه بی شکایت ۲۰

دست در حلقه آن زلف دوتا بردم دوش ۱۰۸

دلجم جز دیدن رویت ندارد آرزویی ۴۰

دوش پروانه دل باز چنین گفتا به گل ۸۷



ز

زدم دوش پرسه در ساحل ذهن ۹۲

زنجناب نکن درد من از خون جگر ۵۵

س

سوسن از مشرق جان توبه زمستوری کرد ۱۹

ش

شبی روا جنس دیدم به باغ خرمی ۶۵

غ

غریبی در بدر دیدم بی کاشانه ای ۳۶

ف

فراموشم نما یا زنده رودم ساز کن ۳۴ و ۳۵

فکر میکردی که روزی در کنارم باشی ۸۱

ق

قلبی که جهان در انتظاری می‌تپد ۲۷

ک

کجایی دل که دنبال تو گردم ۱۰۲

کماندارا بکش تیری زترکش ۷۹ الی ۸۱

کی شود به حال زنگاری ما ای روزگار ۱۸



ک

گرم داری سرما بر سر بازارت چیست ۲۵

گفتم که روی خویت من را به آرزو کشت ۴۹

م

مبتلای رد بی درمان منم ۱۷ الی ۱۵

مرا ماری گزینا صورت رنگ ۳۲

مرغ همت را پیران بام ۱۳

من از این خمار مستی سر سویش بر نگرم ۴۲

من به تصویر گلی در ذهن ۹۶ و ۹۷

من به خال لب تو شک دارم ۱۰۰ و ۱۰۱

مها از دست بی مهری دلم مجروح و پر درد است ۳۹

می سوزم از عداوت ای باد شرطه برخیز ۴۴

ن

نبودم یا به پا خود پیر مردم کردی ۴۱

نبینم بی سرو سامان تو را ای جان شیرینم ۲۸

نگذران وقت گران را به چنین بوالهوسی ۲۲

نقد بازار جهان را نسیه نتوانی خرید ۱۲

نمی دانم چرا با چشم و ابرو ۸۴ و ۸۲

و

وارسته از شب تار کی بینمت پدیدار ۴۳

واله شو ورنه روزی فرصت به تنگ آید ۵۲ و ۵۳

هـ

هدهد از طرف چمن راز تسلأ دم زد ۲۰ و ۲۱

هر نفسم که بهی از فدم جدا مکن ۵۷

